

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/08/22

نظر مرحوم آية الله خوئي راجع به كتاب رجال ابن غضائري :

مرحوم آقاي خوئي انتساب كتاب رجالي معروف به رجال ابن غضائري را به اين بزرگوار اصلاً قبول ندارد. ابن غضائري، معاصر مرحوم نجاشي بوده است. نجاشي شاگرد ابن غضائري است. ايشان فردي بوده است که در مسائل رجالي ضد مرحوم مامقاني است. مامقاني نود و نه در صد تلاش مي کند يك راوي را توثيق کند. ابن غضائري نود و نه در صد تلاش مي کرده است که يك راوي را تضعيف کند. کمتر رواي است که از اعتراض و لبه تيز شمشير ابن غضائري در امان باشد؛ حتي شخصيت هاي بزرگ روائي شيعه.

حال بحث در اين است که اولاً: اين كتاب مال ابن غضائري هست يا نه؟ و اگر مال ايشان است، گفتار ايشان صحيح است يا نه؟

بعضي از بزرگان شيعه مثل شيخ آقا بزرگ تهراني مي گویند: اين كتاب مال يکي از معاندین شيعه است که اين کتاب را به نام ابن غضائري تأليف کرده است تا بتواند در زير چتر ايشان روايت شيعه را قلع و قمع کند. و همچنين مرحوم علامه وحيد بهباني شبیه اين نظر را دارد.

مرحوم آقاي خويي مي گوید: انتساب الكتاب الي مؤلفه غير ثابت.

مرحوم تستري مي گوید: كتاب ابن غضائري از اوثق كتب شيعه است و نظرات ايشان بر نظريات نجاشي و شيخ هم مقدم است.

مصیبت ما این است که ابن غضائری چهار کتاب داشته است. دو تا کتاب در رابطه با توثیق روایات، دو کتاب در تضعیف روایات. اینها در یک جا بوده است، اولاد و ورثه او بعد از پدر تعمد داشته اند که آثار پدر را محو کنند.

خدا بیامرزد آقای شیخ موسی زنجانی که ایشان الحق آمده یک دنیای دیگری از مباحث رجالی را در کتاب الجامع فی الرجال پیش روی محقق باز کرده است. مثلاً از ویژگی های این کتاب این است که تمام راویان شیعه که در کتب روایی اهل سنت هستند را استخراج کرده است. یعنی در کتب روایی اهل سنت هر راوی از شیعه که روایتی نقل کرده اند، جمع شده است. راویان اهل سنت در کتب روایی شیعه جمع شده است. راویان اهل سنت که به نفع شیعه روایت دارند استقصاء شده است. در بررسی یک راوی از کتب رجالی فراتر رفته و در کتب تاریخی، تفسیری و... اگر مطلبی بوده است که بوی وثاقت می آمده این مرد جمع کرده است. محصول بیش از 45 سال از عمر مؤلف است. ما این کتاب را تحقیق کرده ایم با سی هزار پاورقی شده 12 جلد.

بحثی ما داریم، عمدتاً نسبت به روایاتی که از شیعه نقل می کنیم، ناگزیریم به کتاب رجالی شیعه مراجعه کنیم. اگر روایتی را از کتب اهل سنت نقل کنیم، هیچ راه گریزی نداریم از این که به کتب رجالی اهل سنت مراجعه کنیم. اگر می خواهیم بگوییم این روایت صحیح است؛ یعنی از نظر اهل سنت صحیح است. اگر یک روایتی را رد می کنیم، از نظر اهل سنت ضعیف است و گرنه بخواهیم از دیدگاه خودمان بحث کنیم، شاید نود درصد روایات اهل سنت در کتب رجالی شیعه اسمش نیامده است. مثلاً ذهبی در تاریخ اسلام نزدیک چهل هزار راوی و شخصیت علمی اهل سنت را بحث کرده است و حال آن که آقای خویی در این 24 جلد مجموعاً با حذف مکررات ده هزار راوی آورده است. از این ده هزار راوی هم، نه هزار و پانصد تا شیعه است و بقیه از اهل سنت.

توضیحاتی پیرامون کتاب های رجالی اهل سنت :

کتابی که در اهل سنت شبیه معجم الرجال باشد، کتاب تهذیب الکمال مزّی است. یعنی ایشان هر راوی را که می آورد، اول اساتید راوی را بعد تلامیذ راوی را می آورد؛ چون برای تمییز مشترکات نقش اساسی دارد. تنها کتابی که ما را در این رابطه یاری می کند، کتاب مزّی است. مزّی متوفای 742 هـ است. و بعد مزّی هم عنایت دارد آنچه در رابطه با یک راوی مدحاً و ذماً گفته شده است را بیاورد؛ یعنی تلاشش بر این بوده است که چیزی را جا نگذارد.

روایات اهل سنت البته غیر از صحابه که اگر آنها - نستجیر بالله - به خدا فحش هم بدهند، می گویند که فوق وثاقت است. یعنی از دیدگاه اهل سنت اگر به خدا و پیامبر هم جسارت کند، می گویند ضرر به عدالت صحابه نمی زند؛ چون صحابه مجتهد بودند و خداوند گناه آنها را نمی نویسد. اصلاً ملائکه ای که گناه صحابه را بنویسد وجود ندارد. نسبت به صحابه یک نظر ویژه دارند و دلیلی هم ندارند، فقط شعار است. به تعبیر آقای دکتر عصام بهتر این است اینها را اهل سنت نبوی ندانیم، اینها اهل سنت اموی هستند. سنت بنی امیه را احیاء می کنند.

از صحابه که بگذریم می شود تابعین، از آنها که بگذریم می شوند اتباع تابعین. برای این سه طبقه که از آنها به سلف صالح تعبیر می کنند، ارزش ویژه قائل هستند.

یک اشکال اساسی که کتاب تهذیب الکمال دارد این است که روایانش منحصر است به روایات صحاح سته اهل سنت. هر راوی که در صحاح سته راوی دارد آنها را ترجمه کرده است. اگر در صحاح سته نباشد، ترجمه نکرده است.

ابن حجر عسقلانی این کتاب را تلخیص کرده در 12 جلد اسمش را گذاشته است، تهذیب التهذیب. دو باره دید که 12 جلد خیلی زیاد است، دوازده جلد را تلخیص کرده به نام تقریب التهذیب. برای معلوم شدن ثقه یا عدم ثقه بودن راوی کفایت می کند.

و در کنار کتاب های مفصلی که اینها دارند، مفصل ترین کتاب رجالی شان که هم روای صحاح سته را آورده و هم روای سنن و مسانید، تفاسیر و تاریخ را آورده است، تاریخ الإسلام ذهبی است. و بعد از آن کتاب سیر اعلام النبلاء ذهبی است. نزدیک 18 هزار راوی در این کتاب بحث شده است.

نکته دیگری که دوستان باید توجه کنند، مسأله ضبط روای است که در بحث های رجالی نقش اساسی بازی می کند. و لذا تسلط به ضبط روای، یکی از اساسی ترین نکات رجالی است. یعنی: اولاً موقع تلفظ درست بخوانیم و این که روی راوی ها در تلفظ تقید داشته باشیم.

اهل سنت هفت هشت کتاب منحصراً برای ضبط روای دارند. شیعه ها هم سه چهار کتاب دارند که چندان خوب کار نشده است. ولی اهل سنت در این مقوله به طور مفصل وارد شده اند. یکی از کتاب هایی که در این باره هست، توضیح المشتبه ابن ناصر الدین در ده جلد است و همچنین المؤلف والمختلف دارقطنی است. دارقطنی متوفای 385 هـ است. ابن ناصر الدین متوفای 842 هـ است. و همچنین ابن ماکولا متوفای 475 کتابی دارد به نام الإكمال که تقریباً هفت جلد است. ابن حجر هم کتابی دارد به نام تبصیر المنتبه دارد که آقای شبیری زنجانی می گفت این کتاب قوی ترین کتاب در این باب است.

در شیعه، مرحوم علامه حلی کتابی دارد به نام ایضاح الإشتباه که بعد از تحقیق و پاورقی 300 صفحه شده است. شاید خود کتاب بدون پاورقی چاپ بشود، شاید 120 صفحه بیشتر نشود. بعد مرحوم ساروی مازندرانی، متوفای 1104 هـ یک کتابی دارد به نام توضیح الإشتباه. این کتاب قبل از انقلاب چاپ شده و دیگر چاپ نشد. سی درصد از نظریات ایشان که در ضبط روای آورده است، اشتباه است. آقای شبیری می فرمودند: نه خود ساروی مرد محقق است و نه کتابش کتاب معتبری است. در بعضی از موارد هم با علامه کاملاً در تضاد است. مثل جمیل بن دراج.

مرحوم مامقاني عنایت داشته است که هر راوي را ترجمه کرده است، ضبطش را هم آورده است. ولي شما اگر چنانچه مي خواهيد دنبال يك راوي بگردید؛ مثلاً اعيان را مي خواهيد پيدا كنيد، بايد علم غيب داشته باشيد كه اعيان جدّ کدام يك از اين روايات است. البته دوستان ما كار كردند و مجموعه اي آماده كرديم تا كل روايات شيعه و سني را استخراج شود.